**روند سقوط حکومت و جایگاه حزب**

**این نوشته بر مبنای مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوائی تدوین شده است**

خلیل کیوان: بحران عمیقی کشور را فراگرفته و همه دارند از قریب الوقوع بودن سقوط حکومت صحبت میکنند. آیا رژیم برای خروج از این وضعیت راه حلی دارد؟

حمید تقوائی: حتما تلاشهای زیادی خواهند کرد ولی به نظر من این تلاشها بجائی نخواهد رسید. حکومت در سراشیب سقوط قرار گرفته و این را شاید بیشتر از همه در موضعگیریها و دعواها و کشمکشهای بین حکومتیها، جناحهای مختلف و باندها و مقامات حکومتی، میتوان مشاهده کرد. خیزش دی ماه دور تازه ای را در سیاست ایران آغاز کرد که امروز بازتاب آنرا ما مستقیما در چهره وحشتزده حکومتی ها می بینیم. شورای نجات ملی درست میکنند، رفراندوم را مطرح میکنند، حتی روحانی خواهان رفراندوم میشود، از کودتا و دولت نظامی صحبت میکنند، حملات به خامنه ای شدت گرفته و حتی بخشهائی از خود اصولگریان، دار و دسته احمدی نژاد، حزب انقلاب اسلامی و غیره رهبرشان را مسئول این شرایط میدانند و او را گوبلز مینامند وغیره. کاملا اوضاع حکومت به هم ریخته است. همه میدانند طوفانی درراه است اما نمیدانند چه بکنند. این وضعیت به نظر من بیش از همه این واقعیت را نشان میدهد که حکومت در حال سقوط است و مفری نخواهد داشت.

خلیل کیوان: آیا هیچیک از جناحها راه حلی ندارند؟

حمید تقوائی: هیچکدام از جناحها راه حلی ندارند منتهی هر یک مسئول این اوضاع را جناح مقابل میداند. یکی میگوید بخاطر برجام و ورشکستگی سیاستهای روحانی این وضع پیش آمده، میگویند روحانی انتظارات و توقعات را بالا برد و این وضع پیش آمد، دیگری میگوید اصولگرایان با تاکید بر حجاب و ضد آمریکائیگیری و غیره شرایط را بحرانی کرده اند، و دار و دسته احمدی نٰژاد هم به هر دو آنها حمله میکند. نفس این کشمکش نشان میدهد که هیچکس راه حل اثباتی ای ندارد.

خلیل کیوان: الان زمزمه هائی هست در این مورد که یک دولت نیمه نظامی یا نظامی روی کار بیاید. در این مورد چه فکرمیکنید؟

حمید تقوائی: این امکان هست. واضح است که حکومت بسادگی استعفا نمیدهد و کنار نمیکشد. بالاخره مردم باید بقدرت اعتراضات و مبارزاتشان آنرا بزیر بکشند. ولی در این فاصله حکومت از هر امکانی برای حفظ خود استفاده میکند از جمله بخصوص از نیروهای نظامی و انتظامی اش، سپاه بسیج، ارتش و غیره و تشکیل یک دولت نظامی و نوعی حکومت نظامی. این را باندهای حکومتی علنا مطرح کرده اند. این یکی از راههائی هست که از نظر حکومتیها میتواند بر طول عمر نظام شان بیفزاید. اما واقعیت اینست که گرچه این اقدام ممکن است در ابتدا با شوکی که به جامعه وارد میکند فرصتی برای حکومت بخرد ولی این به سرعت سپری خواهد شد. من فکر میکنم برسر حکومت نطامی اسلامی هم مردم همان را خواهند آورد که بر سر حکومت ازهاری در انقلاب ٥٧ آوردند. آن دوره حتی دولت خیلی منسجم تر از اینها پشت شاه بود. الان خیلی از رژیمی ها حتی در رده های بالا پشت رهبرشان نیستند. از سوی دیگر باندها و دار و دسته های حکومتی هر یک نیروی نظامی و انتطامی خودش را دارد. در سپاه و بسیج و ارتش و نیروهای انتظامی جناحها ایادی خودشان و نیروهای خودشان را دارند و به این دلیل از نظر نظامی هم رژیم منسجم نیست. با این حال احتمالش کم نیست که رژیم از سر ناچاری دست به ماجراجوئی نظامی بزند و تلاش کند با یک اقدام شبه کودتا، به شکلی توافق شده و "مسالمت آمیز" از بالا، قدرت را به سردارن سپاه منتقل کند. ولی من فکر میکنم جامعه تن به آن نخواهد داد و به سرعت از حکومت نظامی گذر خواهد کرد.

خلیل کیوان: منظورتان اینستکه این ایستگاه آخر جمهوری اسلامی است؟

حمید تقوائی: این آخرین "راه حل" ای است که میتوانند امتحان کنند. از نظر اقتصادی که می بینیم به چه وضعی افتاده اند، سقوط آزاد ریال نماد فروپاشی کامل اقتصاد جمهوری اسلامی است، و این به معنی اعمال فشار بیشتری بر گرده توده مردم زیر خط فقر است که دیگر قادر به تامین نان خالی هم برای خود و خانواده شان نخواهند بود. این جامعه را در یک حالت انفجاری قرارداده است. از نظر اقتصادی حکومت حتی قادر نیست قول و وعده ای بدهد.

از نظر سیاسی هم که می بینیم همه باندها ومقامات حکومتی یقه یکدیگر را گرفته اند. خیلی ها معتقدند باید از "رهبر" گذر کرد و خامنه ای را کنار گذاشت مگر فرجی خاصل بشود. از سوی دیگر برکناری خامنه ای به معنی فروریختن کل نظامشان است. بنابرین از نظر سیاسی و اقتصادی راه حلی ندارند. آنچه باقی میماند اقدام نظامی است. یعنی تلاش کنند که با باصطلاح مشت آهنین جامعه را منکوب و مرعوب کنند ولی این مشت آهنین بیشتر به یک مشت پلاستیکی و یا حلبی شبیه خواهد بود. و به سرعت جامعه میتواند از آن گذر کند.

خلیل کیوان: میگوئید جامعه با چنین کودتائی مقابله میکند. جنبش اعتراضی، با توضیحاتی که دادید، به مقابله برخواهد خاست. پیروزی این حرکت جنبش اعتراضی مردم در مقابل یک دولت نظامی را چطور امکانپذیر میدانید؟

حمید تقوائی: کلا در مبارزه علیه جمهوری اسلامی پیروزی مردم در گرو عروج یک رهبری انقلابی است. یک رهبری انقلابی که بتواند کل جمهوری اسلامی را بزیر بکشد. این را هم میدانیم که جامعه و جنبش انقلابی حاضر هنوز رهبری خودش را انتخاب نکرده و هیچ نیروئی نمیتواند ادعا کند که بالفعل رهبر انقلاب است. ولی در عین حال همین حرکت و در همین سطح نشان داده است که جامعه بسیار چپ و رادیکال است. مطالبات و اهداف رادیکالی دارد و خواهان سرنگونی حکومت با همه جناحهایش هست. این حرکت به نظر من حتی در همین شرایط فعلی که هنوز از رهبری برخوردار نیست آن قدرت را دارد که بتواند ماجراجوئی های حکومت را خنثی کند ولی اگر بحث بر سر پیشروی و تعمیق و گستردگی بیشتر این حرکت و پیروزی آن است این امر در گرو تامین یک رهبری انقلابی بر کل این حرکت هست.

خلیل کیوان: به این شاره کردید که مطالبات و اعتراضات مردم ایران چپ است. ولی میدانیم چپ در عرصه سیاست تنها نیست، راست هم هست. آیا از هم اکنون میتوان گفت که مردم نهایتا کدام افق را، افق چپ و یا افق راست را، انتخاب خواهند کرد؟

حمید تقوائی: از لحاظ تحلیلی- نظری اینکه جامعه بالاخره چپ و یا راست را انتخاب میکند موضوع بازی هست که به عملکرد این نیروها مربوط میشود. همه چیز نشاندهنده آنست که جامعه چپ را انتخاب خواهد کرد مشروط بر اینکه یک نیرو و حزب رادیکال و انقلابی در صحنه باشد که واقعا درد و اعتراض و خواستهای عمیق و انسانی مردم را نمایندگی کند. تا همین جا وقتی شعارهای مردم را مد نظر قرار میدهید، وقتی مردم شعار میدهند حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، وقتی شعار میدهند نماینده شصت میلیون معلم یک میلیون، وقتی شعار میدهند ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده و کلا شعارهائی که نه فقط فقر و پاسخگوئی به نیازهای معیشتی جامعه، بلکه اساسا تبعیض و فاصله فاحش بین فقر وثروت را هدف قرار میدهد و میگوید این را نمی پذیریم و این را نمیخواهیم، کارگران وقتی در دفاع از ٥ میلیون حداقل دستمزد بیانیه میدهند و اعلام میکنند حقوقهای نجومی باید لغو بشود. وقتی کارگران دست به عمل مستقیم میزنند و میگویند کارخانه مال ما است، وقتی مردم اعلام میکنند اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و جمهوری اسلامی نمی خواهیم و غیره و غیره، در همه این موارد چهره چپ و رادیکال جامعه بوضوح قابل مشاهده است. اینها البته به این معنی نیست که مردم کمونیست شده اند و یا طرفدار کمونیستها هستند بلکه به این معنی است که بطور عینی و واقعی دردی که مردم دارند و نقد و اعتراضی که به این شرایط دارند بسیار عمیق و ریشه ای و ضد کلیت وضع موجود هست و به این معنی کاملا جامعه چپ است. این شرایط نشان میدهد که شانس احزاب و نیروهای چپ بسیار بیشتر از راست است.

این را هم بگویم که همه نیروهای اپوزیسیون در شرایط انقلابی انقلاب پناه میشوند. سلطنت طلبهائی که تا دیروز انقلاب را خشونت و شورش بی سرو پاها میدانستند و مدام راههای تغییر"مسالمت آمیز" و از بالای سر مردم را توصیه میکردند امروز طرفدار انقلاب و اعتراضات انقلابی مردم شده اند. و یا اصلاح طلبانی نظیر خانم شیرین عبادی که تا دیروز خواهان استحاله بودند امروز از مواضع گذشته شان اظهار پشیمانی میکنند. ظاهرا همه اینها امروز طرفدار مردم انقلابی هستند. ولی مردم فرصت طلبی این "انقلابیونی" که بنا به مصلحت روز مهمان انقلاب شده اند و از سر ناچاری از انقلاب دم میزنند را به خوبی تشخیص میدهند. سابقه این نیروها گم نمیشود. مردم میدانند که نیروهای اپوزیسیون راست هم مثل خود حکومت که امروز از تغییرات بنیادی و رفراندوم و شورای نجات ملی وغیره صحبت میکند، زیر فشار جنبش انقلابی مردم انقلاب پناه شده اند. اصلاح طلبان و سلطنت طلبانی که اصلا گروه خونشان به انقلاب نمیخورد امروز مدعی انقلابیگری شده اند تا بتوانند انقلاب مردم را کنترل کنند و به بیراهه ببرند.

مردم آن نیروئی را انتخاب خواهند کرد که در تمام مدت فعالیتش، آنروز که جامعه آرام به نظر میرسید و اصلاح طلبان و خط استحاله در مرکز توجه بود و رژیم چنج گفتمان سلطنت طلبها بود، خواهان و مدافع انقلاب بوده است و تنها راه رهائی و آزادی را سرنگونی حکومت بقدرت انقلابی مردم میدانسته است. نیروئی مانند حزب کمونیست کارگری.

امروز در خیابانها انعکاس مبارزات، انعکاس شعارها، و انعکاس کمپین ها و کارزارهای حزبی را شما دارید به عیان می بینید. گرایش به چپ جامعه و خواستهای انقلابی مردم "خودبخوی" و ابتدا بساکن بوجود نیامده است. حزب ما نه تنها این شرایط را پیش بینی میکرده و خواستار آن بوده است بلکه در ساختن و شکل دادنش مستقیما نقش ایفا کرده است. جامعه نهایتا به چنین حزبی روی خواهد آورد.

خلیل کیوان: به حزب کمونیست کارگری و ارتباطش با اوضاع جاری بعدا میپردازیم. میخواهم اینجا این سئوال را با شما درمیان بگذارم که آیا به این نحوی که شما توضیح میدهید راست هیچ شانسی ندارد؟ عده ای میگویند آمریکا میرود پشت سلطنت طلبها و این نیرو را روی کار می آورد.

حمید تقوائی: بله این یک سناریوی محتمل هست. نیروهای راست شروع میکنند به تعریف ایستگاهها و نقطه سازشهائی برای منحرف کردن و متوقف کردن اعتراضات و انقلاب مردم. یکی از این تمهیدات میتواند نوعی مهندسی دولت از بالا باشد با پشتیبانی آمریکا و اروپا. وقتی انقلاب مردم آنقدر قدرت بگیرد که رژیم را کاملا تضعیف کند چنین سناریوهائی ممکن است اما بحث بر سر این نیست بلکه بر سر اینست که چقدر اینها میتوانند سر کار بمانند. چقدر میتوانند قدرت را نگهدارند؟

شانس بقدرت رسیدن نیروهای راست با توجه به مضمون و شعارها و اهداف چپ و رادیکال اعتراضات مردم و انتظارات و توقعات انسانی و رادیکال آنها زیاد نیست ولی حتی اگر فرض کنیم این سناریو با هر درصدی عملی بشود و شاه یا شورای سلطنت و یا هر نیرو و ترکیب دیگری را از بالا بقدرت برانند به نظر من چنین دولتی شانس بقا ندارد و حداکثر یک حالت گذار در سیر انقلاب مردم خواهد بود. ببینید حکومتی، نیروئی، حزبی میتواند به قدرت برسد و در قدرت بماند که به آرمانها وخواستهای انقلابی مردم جواب بدهد. و سازمانها و احزاب راست در طی تمام فعالیتهایشان و استراتژی و سیاستها و مواضعشان نشان داده اند که چنین نیروئی نیستند. چه حزبی واقعا میخواهد و میتواند حقوقهای نجومی را لغو کند و فاصله بین فقر و ثروت را از بین ببرد؟ نیروهای سرکوبگر را منحل کند و مقوله زندان و زندانی سیاسی را کاملا از نقشه جغرافیای سیاسی ایران پاک کند و بگوید زندانی سیاسی نخواهیم داشت؟ چه نیروئی میتواند واقعا زن و مرد را برابر اعلام کند؟ میتواند آزادیهای بی قید وشرط را برسمیت بشناسد و مردم را به جرم اقدام علیه امنیت و توهین به مقدسات ملی و مذهبی وغیره بزندان نیاندازد؟ چه نیروئی میتواند حقوق مردم منسوب به ملیتهای دیگر و تحت ستم ملی در ایران را برسمیت بشناسد و آنها را تحت عنوان جدائی طلب وبه خطر انداختن تمامیت ارضی وغیره سرکوب نکند؟ چه نیروئی میخواهد مذهب را نه تنها از دولت جدا کند بلکه از مناسبات اجتماعی و از فرهنگ جامعه پاک کند و مذهب رسمی را لغو کند؟ چنین نیروئی میتواند جامعه را به پیروزی برساند.

هر قدر هم که از بالای سر مردم قدرت سازی کنند بالاخره باید جواب مردم را بدهند و نیروهائی که به این ترتیب بقدرت رانده میشوند بهیچوجه اهل این میدان نیستند. و نمیتوانند به هیچ یک از خواستهای برحق و انسانی مردم پاسخ بدهند. به همین دلیل اعتراضات و مبارزات مردم ادامه خواهد یافت.

من از اینجا این نتیجه را میگیرم که گرچه این امکان هست که از بالا مهندسی بکنند و ایستگاههائی برای سازش ایجاد کنند ولی قادر به حفظ قدرت نخواهند بود. ممکن است در مقطعی نیروهای دوخردادی بجلو رانده بشوند، ممکن ات خامنه ای را کنار بگذارند، ممکن است سلطنت طلب و اصلاح طلب دولت موقت تشکیل بدهند وغیره و غیره. همه این سناریو ها ممکن است ولی اینها صرفا اپیزودها و مراحل گذرائی از روند انقلاب خواهند بود. توده مردم انقلابی و حزب ما که خواستها و اهداف انقلابی و انسانی مردم را نمایندگی میکند اجازه نخواهیم داد که چنین حکومتهائی بتوانند در قدرت بمانند.

خلیل کیوان: امروز اصلاح طلبانی که از حکومت بیرون پرتاب شده اند از یک اصلاحات بنیادی و مثلا زیر و رو کننده صحبت میکنند. آیا اینها نمیتوانند جلودار یک حرکتی باشند و انتلاف گسترده ای را شکل بدهند که بخشی از حکومت و سلطنت طلبان را در بر بگیرد - تحت عناوینی نظیر نجات ملی و یا وحدت ملی و آشتی ملی و غیره- و آمریکا هم از آنها حمایت کند؟ آیا این سناریوی ممکنی نیست؟

حمید تقوائی: معمولا طبقات حاکم در مقابل انقلابات دست به چنین اقداماتی میزنند. اینها میشود گفت تحولات کلاسیکی درمقابله با انقلاب است. آشتی ملی و وحدت ملی و شورای ملی و شورای نجات و غیره را در واقع در برابر "خطر" انقلابی که میرود کل نظام موجود را زیر و رو کند علم میکنند. از نظر نیروهای راست اینها، همانطور که نهضت آزادی در بیانیه ای در هفته قبل اعلام کرد، راههائی است برای جلوگیری از "خشونت" انقلاب که تحت عنوان " اصلاحات بنیادی" و در واقع برای حفط نظم موجود به حکومت در حال سقوط پیشنهاد و توصیه میشود. انقلاب را خشونت و آنارشی و هرج و مرج معرفی میکنند و در برابرش دولت وحدت و آشتی ملی را علم میکنند.

اماحتی تغییرات و اصلاحات بنیادی در نظام موجود جواب نیست. مردم میخواهند کل این نظام زیر و رو بشود. مردم بازگشت کسانی که تا دیروز و یا پریروز - در حکومت شاه - وزیر و وکیل و کاره ای بودند و از بد حادثه به اپوزیسیون پرتاب شده اند را تحت عنوان شورای نجات ملی و غیره نمی پذیرند. هیچ گوشه ای و هیچ ترکیبی از اسلام و روحانیت "خوب و معتدل" و مقامات سابق و اسبق را مردم نمی پذیرند. این که دوره اعتراض و انقلاب تمام شد و کارگران بروید کمربندها را سفت کنید و بیشتر کار کنید و کمتر بخواهید تا ایران را آباد کنیم - آنچه دولتهای نوع نجات ملی تلاش خواهند کرد عملی کنند- را کسی نمی پذیرد. اینکه به حقوقهای نجومی نمیتوانیم دست بزنیم، مدیران و پیمانکاران را لازم داریم و ریاضتکشی اقتصادی را باید تحمل کنید تا خرابی ها جبران شود و غیره را مردم نمی پذیرند. یا بهتراست بگویم جامعه تا همین جا نشان داده است که اینها را نمی پذیرد و حزب ما در میدان هست که نگذارد مردم این را بپذیرند. اجازه ندهد عوامفریبی مردم را به بیراهه بکشاند. بنابرین هر نوع ترکیبی که شما تصور کنید ، سلطنت طلب، اصلاح طلب، بخشی از حکومتی ها، و غیره دور هم جمع بشوند و بر فرض دولت آمریکا هم از آنها پشتیبانی کند، جامعه آنها را پس خواهد زد. مردم اعلام کرده اند کل جمهوری اسلامی را نمیخواهند و منظورشان فقط روحانی - خامنه ای و یا کابینه فعلی نیست. تمام کسانی که در رژیم دست داشته اند، تمام کسانی که آمر و عامل کشتارها و بگیر و ببندها و دزدیها و چپاولها در طی حکومت جمهوری اسلامی بوده اند نه تنها باید بزیر کشیده شوند بلکه باید محاکمه بشوند و به مردم حساب پس بدهند. کسانی که دستشان بخون مردم آغشته است و اموال مردم را غارت کرده اند و ثروتهای نجومی به جیب زده اند نمیتوانند لباس شان را عوض کنند و ریششان را بتراشند و کراوات بزنند و در قامت دولت وحدت ملی و نجات ملی و غیره بمیدان بیایند. مردم اجازه نخواهند داد. گرایش ضدیت با حکومت و اصلاح طلبان رانده شده به اپوزیسیون و ضدیت با هر نیروئی که به سازشی با مقامات سابق واسبق برسد در جامعه خیلی قوی است و حزب ما این گرایش را نمایندگی میکند. ما و مردم در برابر این نوع معماریهای قدرت از بالا خواهیم ایستاد.

خلیل کیوان: روند اوضاع را چطور میبینید؟ عده ای میگویند سرنگونی جمهوری اسلامی در گرو اینست که یک رهبری شکل بگیرد. آیا تا وقتی که چنین رهبری ای شکل نگرفته حکومت سر جای خودش باقی است؟

حمید تقوائی: اینطور نیست. رهبری برای به پیروزی رساندن انقلاب لازم است ولی اینطور نیست که تا رهبری شکل نگیرد حکومت سر جای خودش هست. حکومت میتواند از درون فرو بپاشد، سقوط کند، میتواند با کودتا و با انواع سناریوهائی که صحبت کردیم کنار برود. همه اینها میتواند اتفاق بیفتد و هنوز رهبری انقلابی شکل نگرفته باشد. ولی این نوع تغییرات و جابجائی قدرت از بالا به معنی پیروزی مردم نیست. به این معنی نیست که مردم به خواستهای انسانیشان، به آزادی و رفاه و برابری، رسیده اند. بنابرین سئوال اینجاست که کی مردم پیروز میشوند. پیروزی به معنی بزیر کشیدن حکومت و تامین نیازها و خواستها و مطاباتی که مردم در روند انقلاب و کلا در روند مبارزاتشان علیه جمهوری اسلامی در تمام دوره سلطه این رژیم مطرح کرده اند. این امر در گرو رهبری است.

خیلی ها میگویند این رهبری وجود ندارد. رهبری به این معنی که جامعه واقعا حزب و نیروئی را انتخاب کرده باشد هنوز وجود ندارد - هیچ انقلابی با رهبرش زاده نمیشود- ولی حزبی که بتواند این نقش را ایفا کند وجود دارد: حزب کمونیست کارگری. نه به این خاطر که ما فقط ادعا میکنیم و یا حتی سیاستهای رادیکالی داریم و حرف دل مردم را میزنیم ولی بیش از آن و مهم تر از آن به اعتبار سابقه سی ساله این حزب، بخاطر مبارزه و فعالیت پیگیری که داشته و جنگی که در جبهه های مختلف به پیش برده. ببینید، مردم میخواند جمهوری اسلامی برود چون میخواهند فقر نباشد، برای اینکه میخواهند این فاصله عمیق بین آیت الله های میلیاردر و توده مرم بزیر فقر رانده شده از بین برود، بخاطر اینکه میخواهند مجازات اعدام نباشد، بخاطر اینکه میخواهند کسی با اتهامات سیاسی به زندان نیفتد و زندان و زندانی سیاسی وجود خارجی نداشته باشد، برای اینکه میخواهند هیچ محدودیت و مقدسات و تابوهائی آزادی عقیده و بیان و تشکل و تحزب و اعتصاب و اعتراض را محدود و مشروط نکند، بخاطر اینکه میخواهند مذهب نه تنها از دولت بلکه از تمام مناسبات اجتماعی، از فرهنگ جامعه و بعنوان معیار و معلم اخلاق از جامعه جارو بشود. مذهب رسمی نداشته باشیم و کسی را بخاطر اینکه شیعه نیست یا بهائی و یهودی و درویش هست و یا کافر و مرتد هست بگیرند و ببندند و اعدام کنند. مردم میخواهند کل این بساط از بین برود. من میپرسم در همه این عرصه ها چه حزبی حاضر و فعال بوده است و شعار و پلاتفرم و افق و پرچم مبارزه مردم را در دست داشته و نمایندگی میکرده است؟ حزب کمونیست کارگری ایران. حزبی که از بدو تاسیسش اعلام کرده است با انقلاب باید این حکومت را بزیر کشید و این وضعیت را زیر و رو کرد و انقلاب امروز در خیابان است. این حزب رهبر انقلاب هست. حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه وسیاستها و پراتیک ده ها ساله اش رهبر انقلاب هست. بالفعل هنوز از جانب توده مردم انتخاب نشده است چون هیچ انقلابی با رهبرش بدنیا نمی آید. ولی مطمئن باشید این اتفاق خواهد افتاد.

خلیل کیوان: به این سئوال و نقش حزب در این اوضاع مجددا برمیگردم. قبل از آن سئوالم اینست که اگرتحولی از بالا صورت بگیرد و خامنه ای را به نوعی به حاشیه برانند و بند و بستی بکنند و حکومتی در بالا شکل بگیرد آیا مردم بخانه خواهند رفت و اوضاع آرام خواهد شد؟

حمید تقوائی: به نظر من این اتفاق نمی افتد. این حتی در گرو رهبری به معنی صریح و مستقیم هم نیست. به حکم شرایط عینی اینطور است. همانطور که گفتم مردم فقط بخاطر اینکه با خامنه ای مخالفند به خیابان نیامده اند. اگرامروز شعار مرگ بر خامنه ای همه جا را برداشته بخاطر اینست که خامنه ای را بعنوان محور و رکن حکومت مورد حمله قرار میدهند. مرگ بر خامنه ای یعنی کل این سیستم باید برود همانطورکه شعار مرگ بر شاه در انقلاب ٥٧ به معنی مخالفت با کل نظام سلطنت بود. مرگ بر خامنه ای یعنی کل این نظام موجود و کل جمهوری اسلامی را نمیخواهیم. مردم با این هدف دارند مبارزه میکنند. بنابرین در برابر هرنوع ترفندی که خامنه ای را حاشیه ای بکند و کل نظام و یا حتی بخشی ار آن را حفظ کند مردم همچنان و حتی با شدت وگستردگی بیشتری به مبارزه برای تحقق خواسته هایشان ادامه خواهند داد. اجازه بدهید اینجا یادآوری کنم که در انقلاب ٥٧، بعد از قیام بهمن که خارج از اراده و کنترل خمینی و همراهانش رخ داد، و بعد از بقدرت رسدن جمهوری اسلامی انقلاب همچنان ادامه پیدا کرد. میدانید که خمینی خیلی نفوذ واتوریته داشت. تصویری که از او ساخته بودند که گویا اونماینده خواستهای مردم است و اصلا مردم بخاطر گل روی اسلام انقلاب کرده اند. این را توانسته بودند به جامعه و به بخش وسیعی از مردم بفروشند. علیرغم این از قیام بهمن ٥٧ تا ٣٠خرداد ٦٠ تلاطم انقلابی ادامه یافت. شوراها همه جا تشکیل شده بود، در دانشگاهها چپ قوی بود، مردم کردستان و ترکمن صحرا برای رفع ستم ملی بپا خاسته بودند، کارگران در بسیاری از کارخانه ها کنترل تولید را بدست گرفته بودند، جنبش زنان علیه حجاب و دیگر قوانین ضد زن فعال بود و غیره و غیره. بالاخره توانستند بعد از نزدیک به سه سال، در سی خرداد ٦٠ و با اتکا به معرکه تسخیر سفارت آمریکا و جنگ با عراق، شمشیرها را از رو ببندند و بکوبند و بزنند و انقلاب را سرکوب کند. این تازه در شرایطی بود که انقلاب بدنبال اختناق گورستان آریامهری اتفاق افتاده بود و نه بدنبال جنبشهائی نظیر آنچه مدتهاست جمهوری اسلامی را در عرصه های متعددی بچالش کشیده است. امروز بطریق اولی نمیتوانند با تغیییراتی نظیر کنار گذاشتن ولی فقیه اعتراضات و انقلاب مردم را متوقف کنند. هرمعماری قدرتی صورت بگیرد نمیتواند جامعه را کنترل کند و توده مردم با قدرتی بیشتر از دوره ٥٧- ٦٠به خیابان خواهند آمد و در برابر آنها خواهند ایستاد.

یک فرق اساسی شرایط حاضر با گذشته اینست که حزبی مثل حزب کمونیست کارگری فعال و در صحنه است و این حزب با تمام توانش اجازه نمیدهد انقلاب مردم را قیچی کنند.

خلیل کیوان: برای تامین یک رهبری چپ بر جنبشی که در مقابل حکومت صف آرائی کرده است آیا یک ائتلافی از همه نیروهای چپ ضروری نیست؟

حمید تقوائی: ائتلاف و وحدت نیروهای چپ خیلی خوب است به شرط اینکه حول ان سیاستی باشد که واقعا میتواند انقلاب را پیروز کند.

خلیل کیوان: منطورتان چیست؟ این را باز کنید.

حمید تقوائی: منظورم اینست که یک چپ دخالتگر، یک چپ سیاسی و نه یک فرقه ایدئولوژیک، یک چپ عمیقا انسانگرا، چپی که نه تنها طبقه کارگر بلکه کل جامعه را در مقابل جمهوری اسلامی نمایندگی کند، چپی که خواستهای مردم و اعتراضات مردم علیه هر تبعیض و بیحقوقی ای که در جامعه هست، و نقد و نه عمیق مردم به جمهوری اسلامی را نمایندگی میکند، چپی که خواستار آزادی زن است نه به این معنی که با تحقق سوسیالیسم زن هم آزاد خواهد شد بلکه آزادی زن، و آزادی همه اقشار تحت ستم، فی النفسه و در خود امر او است و از همین امروز علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی فعالانه در میدان است، چپی که علیه اعدام از روز اول ایستاده، چپی که در دفاع از آزادیهای بی قید وشرط از همان زمان که روزنامه میزان را در سال ٥٨ بستند تا امروز جنگیده است، تنها ائتلاف چنین نیروهائی میتواند در خدمت تامین رهبری انقلاب باشد. متاسفانه همه چپ شریک در این حرکت نیست، ولی آن نیروهائی که این خصوصیات را دارند میتوانند حول پلاتفرمی که رئوسش را گفتم یعنی اعتراض عملی دخالتگرانه و فعال در هر جا که یک ذره ظلم و نابرابری و مقاومت و مبارزه و اعتراض هست گرد هم بیایند. چپی که معتقد است این یا آن اعتراض به طبقه کارگر مربوط نیست و مال شمال شهری هاست - مانند آنچه در مورد جنبش عظیم زنان علیه حجاب در ٨ مارس٥٧ گفتند و هنوز در مورد حرکت امروز دختران انقلاب هم بسیاری ازسازمانهای باصطلاح چپ موضع مشابهی دارند- یا چپی که معتقدست مساله زن یا حجاب و آپارتاید جنسی مساله کارگران نیست، این چپ اهل میدان رهبری انقلاب و جامعه نیست. این چپ نمیتواند از جانب جامعه انتخاب بشود و در جایگاه رهبر انقلاب قرار بگیرد.

تنها یک حزب فعال و دخالتگر که با یک دید وسیع و اجتماعی از نقش طبقه کارگر و با یک دید وسیع و اجتماعی و سیاسی از مبارزه طبقاتی در اعتراض به هر ظلم و نابرابری حاضر و در صحنه باشد و فعالانه مبارزه کند شایستگی و توانائی کسب و ایفای نقش رهبری انقلاب را خواهد داشت.

خلیل کیوان: حزب کمونیست کارگری برای تامین رهبری انقلابی بر اعتراضات مردم تلاش میکند. چرا فکرمیکنید حزب قادر است و میتواند چنین رهبری ای را را تامین کند؟

حمید تقوائی: دو دلیل دارد. دو دلیل خیلی سر راست. یکی برنامه یک دنیای بهتر، سیاستها، مواضع و اهداف و شعارهای حزب است. که همانطور که گفتم فراگیر است، آزادی کل جامعه را تصویر میکند و نوید میدهد و نشان میدهد چطور میتوانیم آزادی و برابری و رفاه برای کل جامعه را متحقق کنیم.

دوم، و شاید فاکتور مهمتر، تجربه و کارنامه و سابقه عملی و پراتیک انقلابی حزب است. حزب ما از بدو تاسیس خودش در تمامی این عرصه هائی که به آن اشاره کردم حضور داشته و فعال بوده است. چهره هائی دارد که در این عرصه ها شناخته شده هستند.از جنبش کارگری بگیرید تا مبارزه برای حقوق پناهندگی تا حقوق کودکان تا مبارزه علیه اعدام و مبارزه علیه سنگسار - به نحوی که ما با کمپینی که به نجات جان سکینه محمدی آشتیانی منجر شد سنگسار را عملا در ایران متوقف کردیم. و همینطور توانستیم کسانی نظیر کبری رحمانپور و نازنین فاتحی و شهلا جاهد را از اعدام نجات بدهیم. ما حزب مبازه علیه اعدام در شرایطی هستیم که حتی بسیاری از چپها به اعدام بقول خودشان نیروهای ضد خلق و ضد انقلابی اعتراضی نداشتند، و در شرایطی به دفاع از آزادیهای بی قید و شرط برخاستیم که تقریبا همه ئیروهای اپوزیسیون، از چپ وراست، محدویتهائی برای آزادی قائل بودند. حزب ما درهمه این عرصه ها ایستاد و نه تنها جنگید بلکه انتظارات و توقعات مردم را از آزادی و از رفاه و از برابری بالا برد. موقعیت و نفود حرب ما امروز در جنبش کارگری و در جنبش های اعتراضی در جامعه حاصل این فعالیتهای پیگیر و همه جانبه است.

سابقه و کارنامه حزب ما به همان اندازه برنامه یک دنیای بهتر و سیاستها و مواضع و شعارهای ما بیانگر این واقعیت است که حزب ما انقلاب را نمایندگی میکند و میتواند مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی را به پیروزی برساند.

من فکرمیکنم در شرایط انقلابی امروز شیب زمین به نفع ما است.آن زمانی که بسیاری از چپها ازدفاع از کارگر این را میفهمیدند که توقیف روزنامه میزان مساله ما نیست و یا اعتراض علیه حجاب متعلق به زنان شمال شهراست، و یا مسائل اقشار دیگر جامعه مسائل باصطلاح دموکراتیک است و به مباره برای سوسیالیسم مربوط نیست، و زمانی که نیروهای راست اپوزیسیون طرفدار استحاله و خط تغییرات تدریجی و غیره بودند، ما نقد و اعتراض ومبارزه ای را نمایندگی کردیم و به پیش بردیم که امروز در خیابانها است. امروز جامعه نشان میدهد که ما محق بودیم و ما خواسته های عمیقا انسانی مردم را نمایندگی کرده ایم. اگر امروز اصلاح طلبان پشیمانند ما به گذشته مان افتخار میکنیم. واین سرمایه ای هست که به نظر من حزب ما را بعنوان رهبر انقلاب به جامعه میشناساند و از جانب توده مردم انقلابی قابل انتخاب میکند.

خلیل کیوان: با این تفاصیل میخواهم ازشما که حزب کمونیست کارگری را شاید بهتراز هر کس دیگرمیشناسید و از توانائی ها و ظرفیتها و از امکاناتش خبر دارید بپرسم آیا این حزب اراده و این تمایل و این توان را دارد که مسئولیت کشور را بعهده بگیرد؟

حمید تقوائی: مسلما. ما برنامه این کار را داریم. ما سیاستهای مشخصی را از همان بدو تاسیس حزب اعلام کرده ایم. ما در برنامه یک دنیای بهترطرح جامعی داریم برای ساختمان شورائی حکومت، برای سیستم قضائی، برای تامین حقوق زنان، برای مذهب زدائی از دولت و جامعه، برای تامین آزدیهای بی قید و شرط، برای ایجاد یک جامعه شاد و مدرن و انسانی، برای رفع همه تبعیضات و نابرابر یها، برای تامین رفاه مردم، و دفاع از آزادی و برابری و انسانیت در همه عرصه های زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی. همه این اقادامات ممکن وعملی است چون ما سوسیالیست هستیم، برای برپائی جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم و نظام سرمایه داری و سازماندهی اقتصاد بر مبنای سود و سود پرستی را نمی پذیریم. تنها حزب ما میتواند به ریاضت کشی اقتصادی پایان بدهد، حقوقهای نجومی را لغو کند و به استثمار و چپاولگریهای یک در صدیهای مفتخور وسرمایه دار نقطه پایان بگذارد و بالاترین استانداردهای رفاهی را در جامعه بر قرار کند. برخلاف حتی لیبرال ترین و باصطلاح انساندوست ترین نیروهای راست که اگر بقدرت برسند ناگزیرند سیاست ریاضتکشی اقتصادی را در دستر بگذارند برای آنکه بتوانند سرمایه داری را در ایران احیا کنند.

به این معنی حزب ما برای بدست گرفتن قدرت و تحقق آزادی و برابر ی و رفاه در جامعه هم برنامه و سیاستهای روشنی دارد و هم سابقه و تجربه و اراده لازم را و هم چهره ها و کادرها و فعالینی که میتوانند این مهم را عملی کنند.

خلیل کیوان: اینجا این سئوال مطرح میشود که با دنیا چه میکنید؟ با همسایه هائی که ممکن است مداخله کنند؟ آیا دنیا شما را قبول میکند؟ دول غربی روی سر شما نمیریزند؟

حمید تقوائی: ما یک جامعه مدرن و انسانی را پی ریزی خواهیم کرد با مدرنترین و متمدنانه ترین روابط بین المللی. حزب ما با پروژه اتمی نه تنها در ایران بلکه در همه جای دنیا مخالف است. حزب ما سالها علیه جنبش اسلام سیاسی در ایران و در اروپا و در منطقه جنگیده است. حزب ما دخالتگری در کشورهای دیگر را درست نمیداند و نمیخواهد این کار را بکند. میدانید در سطح جهانی ما چطور از جمهوری سوسیالیستی دفاع میکنیم؟ با اعلام مترقی ترین و پیشروترین و انسانی ترین قوانین و سیاستها وعملی ساختن آنها. با لغو اعدام در همان روز اول بقدرت رسیدن. با اعلام اینکه زندان و زندانی سیاسی نخواهیم داشت و همه احزاب آزادند ، با تامین شرایط یک جامعه شاد و مدرن وانسانی و مرفه. با باز گذاشتن مرزها. با اینکه هر کس بخواهد در ایران سوسیالیستی زندگی کند شهروند است. ما ازهمه رسانه ها و خبرنگاران میخواهیم به ایران بیایند و فیلم و خبر و گزارش تهیه کنند. با هر کس میخواهند مصاحبه کنند و در دنیا منعکس کنند.

چنین جامعه ای توده کارگر و توده مردم مترقی و آزادیخواه جهان را در حمایت از جمهوری سوسیالیستی در ایران فعال خواهد کرد و بمیدان خواهد آورد. این نیروی مورد اتکای ما است در برابر توطئه دولتها و نیروهای راست و ارتجاعی در جهان و درمنطقه. ما روی نیروی کارگران و توده مردم شریف جهان حساب میکنیم و مطمئن هستیم در عصر اینترنت میتوان شبکه کارآ و موثری از نود و نه در صدیهای دنیا را در حمایت از جامعه و حکومت انسانی در ایران سازمان داد و فعال کرد.

خلیل کیوان: شما قصد صادر کردن انقلاب و مداخله در کشورهای دیگررا ندارید؟

حمید تقوائی: به هیچوجه. مردم هر کشوری خودشان باید تصمیم بگیرند. ما میخواهیم نمونه و الگوئی از یک نظام و جامعه انسانی بدست بدهیم که هر چقدر موفق تر باشد و بیشتر تثبیت شود در سطح وسیعتری به منبع الهام مردم دنیا تبدیل خواهد شد. ما اهل صدور مکانیکی انقلاب به جائی نیستیم. ما میخواهیم جامعه ای بسازیم که به الگوی همه کارگران وهمه نود و نه در صدیها در همه کشورها بدل بشود. جمهوری سوسیالیستی در ایران آزاد ترین و عادلانه ترین و انسانی ترین جامعه ای خواهد بود که دنیا به خود دیده است.